

اریک فروم



رسالت زیگموند فروید



ترجمه‌ی دکتر عزالدین معنوی



فهرست مطالب

۵	مقدمه
۱۱	فصل اول: حقیقت پرستی و شهامت فروید
۲۱	فصل دوم: ارتباط فروید با مادرش
۳۱	فصل سوم: روابط عاشقانه فروید با زن‌ها
۵۵	فصل چهارم: وابستگی فروید به مردها
۷۵	فصل پنجم: روابط فروید با پدرش
۸۵	فصل ششم: حاکمیت و تسلط طلبی فروید
۹۵	فصل هفتم: فروید مصلح اجتماعی
۱۱۹	فصل هشتم: جنبه‌های تقریباً سیاسی نهضت پسیکانالیز
۱۴۱	فصل نهم: معتقدات مذهبی و سیاسی فروید
۱۶۱	فصل دهم: خلاصه و نتیجه

مقدمه

کتابی که در دسترس خوانندگان عزیز است روانکاوی و تحلیل روانی از شخصیت فروید توسط اریک فروم^۱ روانشناس دانشمند و محقق آمریکایی است.

همه می دانند که فروید مکتب روانکاوی را ابداع کرده و تاکنون هیچ نهضت درمانی به این وسعت جنبه همگانی و عالمگیر پیدا نکرده است.

مطالعات و نظریات فروید راجع به شخصیت انسانی سبب شده است که افراد را همانطور که هستند بشناسیم و به اعماق افکار و مکانیسم های رفتار آنان پی ببریم.

اگر قرار باشد داروین را به عنوان معرف اصل تکامل انواع بشناسیم، فروید را باید مردی نابغه و مبتکر و واضع مکتب روانشناسی و رفتارشناسی بدانیم و اگر جانب اغراق را نگیریم باید بگوییم تاکنون هیچ نهضتی جز فرویدیسم نتوانسته است جمود و دوگماتیسم روانپزشکی توصیفی از زمان ارسطو تا کرپلین را تغییر دهد. زیرا او روان پزشکی دینامیک را بنا کرده و علل علائم روانی

1. Eric Fromm

را تعقیب نموده و برای از بین بردن نشانه‌های بیماری چاره‌اندیشی کرده است. اگر ژان ژاک روسو^۱ گفته بود: «قرن نوزدهم قرن فاتحه آزادی در جهان است» چون وی جرعه‌هایی از افکار آزادیخواهانه را پس از قرون وسطی ملاحظه کرده بود و به خوبی دریافته بود که بسط و توسعه علوم و روانشناسی سبب شده است که بتوانند اساس افکار عمومی را در اجتماعات مختلف عوض کنند. او دریافته بود که به این وسیله حتی می‌توان محتویات ذهنی گروه‌های مختلف مردم را تغییر داده، تعویض کرد یا مسایل دیگری را در اذهان عمومی به جای باورها و معتقداتی جانشین نمود.

واقعیت این است که نظریات روسو در قرن اخیر تحقق یافته و راهنمایی‌ها و فرمول‌های روانشناسان در مطبوعات و دستگاه‌های تبلیغاتی و خبری ملل عالم آنها را قادر ساخته که بتوانند افکار عمومی را تا حدود زیادی تغییر دهند و حتی تحولاتی را که در شرف تکوین هستند سد نمایند.

قبل از فروید نیز افراد بصیری به مسأله روانکاوی تا حدودی آشنایی داشته‌اند، ولی شخصیت زیگموند فروید به این اطلاعات شکل و قالب علمی بخشید و از این درخت کهن، شاخه‌های مختلفی نیز منشعب ساخته است. فروید اصول و فن پسیکانالیز را به مردم معرفی کرده است و آگاهی از این فن سبب شد که پس از او روانکاوان از همین سلاح استفاده نمایند و شخصیت فروید را از لابه‌لای نامه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی‌اش مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند.

دکتر جونز دوست و همکار فروید در کتاب قطوری به چنین کاری اقدام کرد، ولی فروم روانشناس و مبتکر و محقق بزرگ اجتماع امریکادر این کتاب او را همانطور که بوده تا حدودی معرفی کرده است.

در این کتاب فروم فروید را نابغه‌ای می‌شناسد که برخلاف سایر نوابغ پس از موفقیت و کسب قدرت با همکاران و نردبان‌های ترقی سازش نکرده و نظریاتش را تعدیل ننموده است زیرا او همیشه صریح است و جانب

فصل اول

حقیقت پرستی و شهامت فروید

دانش روانکاوی را همانطور که می‌دانیم فروید بنا نهاده است و بناچار نتایج محیرالعقول و بزرگ و نقایص و خوب و بد این علم هم به حساب مبتکرش گذاشته می‌شود.

برای پی بردن به اصل و منشأ دانش روانکاوی، باید شخصیت خود فروید را مطالعه کنیم و بدانیم که فروید چگونه انسانی بوده است؟ چه نیروها و انگیزه‌هایی، چه نوع طرز تفکر و احساساتی فعالیت‌های وی را موجب شده است؟ آیا فروید همانطور که عده‌ای می‌گویند یک فرد منحط و بی‌نیه بوده است؟ آیا آنطور که دشمنانش می‌گویند ریشه‌های معتقدات وی از محیط بی‌نظم^۱ و شهوانی مردم آن روزگار ملهم شده است و یا بالعکس همانطور که دوستانش اصرار دارند وی استادی بزرگ و محقق توانا و نابغه‌ای عظیم بوده که هیچ‌گونه

۱. عقیده بسیاری از خارجیان در مورد شخصیت فروید، انحطاط اخلاقی او است. عدم اطلاع از شخصیت و زندگی خصوصی فروید و مطالعه سطحی نظریات وی برای عده‌ای از عوام این طرز تفکر را ایجاد نموده است.

نقصی از نظر شخصیت نداشته است و آنچه که بر همگان آشکار است فروید در همه حال بدون ترس و اضطراب، طالب حقیقت بوده و به خانواده‌اش علاقه زیادی داشته است. با شاگردانش بسیار مهربان بوده و با مخالفینش رفتاری معقول داشته است، و آثار شدیدی از خودخواهی و خودپرستی در وی موجود نبوده است و البته نظریات موافق و مخالف هیچکدام نمی‌تواند برای فهم شخصیت پیچیده فروید و تأثیر شخصیت عمیق وی بر دانش روانکاوی مفید واقع شود.

وقتی که می‌خواهیم تصویری از شخصیت خود او، و اینکه چه انگیزه‌ای وی را به این مطالعات واداشته است به دست بدهیم، ضروری است که همان روش عینی و مشاهده‌ای را که خود فروید به عنوان اولین شریط تجزیه و تحلیل حالات روانی افراد کشف کرده است به کار ببریم.

برجسته‌ترین و شاید قوی‌ترین نیروی احساساتی و عاطفی فروید دو چیز بوده یکی حقیقت دوستی، و دیگری عدم سازشکاری در مسایل منطقی و استدلالی و ایمان کامل وی به منطق. از نظر فروید منطق و استدلال تنها قدرت بشری است که می‌تواند برای حل مشکل وجود و حیات و یا حداقل، برای تسکین آلام و نامالایماتی که در واقعیات زندگی وجود دارد به آدمی کمک کند.

به نظر فروید تنها سلاح و ابزاری که در دست داریم استدلال است و به وسیله آن می‌توانیم بدون آنکه مرتکب اشتباهی شویم معنایی برای زندگی پیدا کنیم و خود را از قید و بندهای نامطلوب رها ساخته و شخصیت و وجود خود را به عنوان واحد مستقل در جهان هستی قبول کنیم.

ایمان به استدلال و منطق تنها اصلی بود که فروید را بدون ملاحظه به دنبال حقیقت کشانید. وقتی که یک حقیقت نظری را بین پیچیدگی‌ها و انواع پدیده‌ها گرفتار می‌دید در پی استدلال برمی‌آمد و حتی اگر این حقیقت از لحاظ منطقی عادی و به نظر عوام‌الناس مبهم می‌نمود ناراحت نمی‌شد و به عکس، نظر عامه مردم و استهزای آنها را که راحت‌طلبی و بی‌خبری علت اصلی آن بود، به هیچ

می‌گرفت، و همیشه بین ایمان و استدلال و افکار عامه و بهانه‌جویی آنها فرق قائل می‌شد.

همین ایمان و قدرت استدلال سبب شده است که فروید را فرزند قرن هیجدهم یا مرد عصر روشنفکران بنامند.

شعار آن زمان این بود که «جرأت دانش‌اندوزی داشته باش» و فروید در افکار و عقاید و کارهایش همیشه این جرأت را همراه داشته است و همین اعتقاد و شهامت فروید بود که طبقه متوسط مردم آن زمان را از پاره‌ای موهومات و خرافات قرون وسطائی دوران فئودالیتة رها ساخت.

اسپینوزا و کانت و روسو و ولتر با اینکه فلسفه آنها با یکدیگر اختلاف داشت اما همه آنها مؤمن و دلباخته عقل و حقیقت بودند، و همگی آنها حس می‌کردند که برای ایجاد یک دنیای آزاد و مترقی می‌ستیزند و در این مبارزه سهم مشترکی دارند.

این نوع طرز تفکر و روحیه بین طبقات متوسط قرن نوزدهم، در اروپای مرکزی و غربی به ویژه بین دانشجویان و محققینی که خود را وقف پیشرفت علوم طبیعی^۱ کرده بودند شیوع داشت.

یهودی بودن فروید هرچه بوده به علت محدودیت‌های محیط او در روحیه روشنفکری وی نقش اساسی داشته است.

آداب و رسوم یهود نیز یک طریقه و سیستم فکری نسبتاً استدلالی بود، و علاوه بر این، اقلیتی که مردود اجتماع باشد، علاقه زیادی دارد که قدرت‌های مبهم و بی‌دلیل و خرافات را که مانع آزادی و ترقی او بوده از بین ببرد. به علاوه، تمایل عمومی روشنفکران و متفکرین اروپا در اواخر قرن نوزدهم موقعیت مخصوصی برای فروید به وجود آورده و او را واداشته بود تا از منطق و دلیل و استدلال پشتیبانی کند و به افکار عمومی و اشتباهات^۲ عامه مردم کمتر

1. Natural Science

۱ Illusion رادر زبان فارسی به اشتباه حسی و عوضی گرفتن ترجمه نموده‌اند و از نظر